



MLJ

مجله حقوق پزشکی

دوره پانزدهم، شماره پنجاه و هشتم، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

بررسی خسارات ناشی از آسیب بدنی در حقوق مدنی ایران

حجت نصرارکن^۱، بابک محمدرضاپور اوزان^{۲*}، یوسف مولایی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: قواعد حقوقی ناظر بر خسارات ناشی از صدمات جانی، اصلی‌ترین بخش حقوق مسئولیت مدنی را تشکیل می‌دهد. هدف ما از این طرح بررسی خسارات ناشی از آسیب بدنی در حقوق مدنی ایران است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق، تحلیلی توصیفی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه است. ابزار گردآوری اطلاعات، فیش‌برداری است.

یافته‌ها: در هر حال موضوع مشروعیت یا عدم مشروعیت لزوم جبران خسارت‌های ناشی از صدمات جسمانی در طول سال‌های گذشته همواره مورد بحث محافل حقوقی و قضایی بوده و هم‌چنان هم در راس مسائل و مشکلات اجرایی مواد قانونی دیات مطرح می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: در این مقاله سعی شده تا با شناخت منطق فقهی و منطق تحول جبران خسارت جانی از صرف دیه تا جبران خسارات جانی، به تفکیک خسارات معنوی و مادی در حقوق جدید دنیا پرداخته شده و بازخوانی جدیدی از مباحث فقهی و حقوقی صورت گرفته و راه‌حلی مناسب با منطق فقهی و مبانی عدالت برای حل این گره گشوده نشده حقوق ایران ارائه گردد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶

واژگان کلیدی:

مسئولیت

کیفیری

مدنی

خسارت بدنی

* نویسنده مسؤول:

بابک محمدرضاپور اوزان

آدرس پستی: ایران، ارومیه، دانشگاه

آزاد اسلامی، واحد ارومیه، گروه حقوق

خصوصی.

کد پستی: ۵۷۱۶۹-۶۳۸۹۶

تلفن: ۴۴-۳۳۳۸۱۳۴۱

پست الکترونیک:

Babakrezapour@gamil.com

۱. مقدمه

از جمله مسائل مهمی که در قوانین تمام کشورها به آن اهمیت داده شده، جبران خسارت و ضرر بدنی است. مراد از ضرر بدنی هرگونه آسیب و صدمه‌ای است که بر تمامیت جسمی و بدنی شخص وارد می‌شود. هدف عمده از جبران خسارت جلب رضایت زیان‌دیده، جبران خسارت وارده و اعاده وضع پیشین زیان‌دیده است در حقوق ایران انواع مختلف ضررهای مادی و معنوی و جسمانی با روش واحدی قابل جبران نیستند. مهمترین قوانینی که در خصوص خسارات ناشی از صدمات بدنی خواه عمدی و خواه غیرعمدی در حقوق ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد، قانون مجازات اسلامی و قانون مسئولیت مدنی است.

در آن دسته از خسارات مادی که به راحتی قابل اندازه‌گیری و سنجش است، میزان غرامت معادل ضرر مادی تعیین خواهد شد؛ بنابراین به فرض کسی که به واسطه خطای دیگری متحمل یکصد میلیون ریال خسارت شده، سزاوار یکصد میلیون ریال غرامت است. ولی همه مشکلات در مواردی است که خطای مدنی تمامیت جسمی یا جانی فردی را نشانه رفته باشد؛ در این جا نظام قضایی چگونه می‌تواند جان انسان‌ها را ارزش‌گذاری نماید تا در صورت امکان وضعیت به حالت پیش از وقوع خطا بازگردد و حداکثر خسارت‌تر شویم. نظام حقوقی ایالات متحده به دو شیوه سعی در جبران غرامات وارده به اشخاص دارد (۱).

لزوم جبران خسارات جانی هیچ‌گاه در فقه اسلامی و حقوق ایران مورد تردید نبوده است؛ تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، روش تعیین خسارت جانی به تفکیک خسارات مالی و معنوی اجرا می‌شد و حقوق‌دانان و دادگاه‌ها به منطبق و احکام آن آشنا و از لحاظ نظری قانع شده بودند، ولی با رویکرد مجدد به فقه اسلامی که پس از انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمد و تأکید قانون اساسی بر مطابقت احکام و قوانین با موازین شرعی، و به ویژه تصویب قانون مجازات اسلامی بخش دیات، تغییرات اساسی در نظام جبران خسارات جانی ایجاد شد. حضور قوانین موازی در این باره که از منطق و منظری کاملاً متفاوت به موضوع می‌نگریستند، از یک طرف، و اصرار حقوق

دانان بر لزوم جبران کلیه خسارات مادی و معنوی و ابهامات بسیار در مورد ماهیت و جایگاه دیه و جمع آن با منطق و یافته‌های حقوقی جدید، از طرف دیگر، موجب بروز سؤال‌ها و مشکلات بسیاری گردید. در این اوضاع، قابلیت جبران طیف وسیعی از خسارات، و بالاخص خسارات مالی ناشی از لطمات جسمانی، در حاله‌ای از ابهام فرو رفت و آراء و نظرات متضادی ظهور کرد و دامنه این اختلافات به محاکم و دیوان عالی کشور نیز کشیده شد. از جمله بحث‌های طولانی در مورد طبیعت دیه و ماهیت جزایی به عنوان مجازات کیفری و یا طبع مسئولیت مدنی از باب جبران خسارت بوده، پذیرش هریک از این نظرات توجیه‌کننده احکام خاصی در مورد جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از خسارات جانی خواهد بود (۲، ۳). در اینجا قصد داریم به بررسی خسارات ناشی از آسیب بدنی در حقوق مدنی ایران بپردازیم.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

روش تحقیق، تحلیلی توصیفی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. ابزار گردآوری اطلاعات، فیش‌برداری است.

۴. یافته‌ها

در هر حال موضوع مشروعیت یا عدم مشروعیت لزوم جبران خسارت‌های ناشی از صدمات جسمانی در طول سال‌های گذشته همواره مورد بحث محافل حقوقی و قضایی بوده و هم‌چنان هم در راس مسائل و مشکلات اجرایی مواد قانونی دیات مطرح می‌باشد.

۵. بحث**۵-۱. تعریف خسارت بدنی**

مراد از ضرر بدنی هرگونه آسیب و صدمه‌ای است که بر تمامیت جسمی و بدنی شخص وارد شود (۴).

۲-۵. خسارات بدنی و راه‌های جبران این خسارات

از دیدگاه صرف منطق حقوقی به نظر می‌آید با تصویب قانون مجازات اسلامی و دیات، محملی برای استناد به قانون مسئولیت مدنی وجود ندارد و لذا در مورد خسارت جانی حکم قانون صرفاً به پرداخت دیه است و حکم به دیگر خسارات (اقتصادی یا غیر آن) ناشی از صدمات بدنی منتفی خواهد بود ولی پذیرش این راه حل در بسیاری موارد، غیرعادلانه به نظر می‌رسد. به عنوان مثال هزینه درمان یکی از اقلام عمده ضررهای ناشی از خسارت جانی به شمار می‌رود. پیشرفت‌های علم پزشکی سبب شده بسیاری از امراض و صدمات که تا مدتی پیش غیرقابل علاج و بازگشت می‌نمود قابل ترمیم و بهبود می‌شود. ولی هزینه‌ی استفاده از این امکانات نوین پزشکی هزینه‌های قابل توجهی را بر بیمار تحمیل می‌کند که در بعضی موارد از اصل دیه تعیین شده افزون است. مورد دیگر خسارت از کارافتادگی موقت و دائم است. در پی خسارت جانی مصدوم ممکن است برای مدت کوتاه یا طولانی از کار و فعالیت باز ماند و اجرت منافع کاری این مدت را که به طور منطقی تحصیل می‌نمود از دست بدهد. این ضرر معمولاً معادل قسمت عمده‌ای از دیه تعیین شده برای صدمه جانی مربوط است و بسته به شخص و تخصیص کاری او بسیار مختلف است (۵).

اگر نظام حقوقی این واقعیات را که عمدتاً امور مستحدث و جدید زمان ما محسوب می‌شود مدنظر قرار ندهد و تنها با تکیه بر منطق و حقوق سنتی خود پاسخی به آنها دهد، در نظر عقلاً محکوم به ناکارآمدی و غیرعادلانه بودن می‌شود.

در این شرایط با اعتقاد به آن که تأسیس دیه در اصل به عنوان مبلغی قطعی برای جبران کلیه‌ی خسارات لحاظ شده و تقسیم‌بندی خسارات اقتصادی و غیراقتصادی ناشی از خسارات جسمانی در آن لحاظ نشده و یا نظر به تعیین حداقل، قابل پرداخت نبوده است، بلکه تنها برای رفع مشکلاتی که در زمانه‌ی ما ایجاد شده و خواه و ناخواه نظام کارآمد حقوق مسئولیت مدنی می‌بایست پاسخ مناسبی به آنها بدهد، پس برای تبیین این خسارات آنها را به دو دسته‌ی

خسارت غیرمالی و خسارت اقتصادی و هر دسته خود نیز خسارات دیگری را دربرمی‌گیرد، تقسیم می‌شوند (۵).

۳-۵. خسارات غیرمالی ناشی از صدمات بدنی

ممکن است در کنار صدماتی که به جسم فرد وارد می‌شود، وی دچار صدمات شدید روحی شود که لطمه‌های جبران ناپذیری را به شخص وارد نماید. حال بررسی خواهیم کرد که این خسارات به صورت مازاد بر دیه قابل پرداخت است یا اینکه دیه‌ی دریافتی شامل این خسارت نیز می‌شود (۶).

❖ خسارت معنوی وارده به شخص

مقصود از ضرر معنوی خسارتی است که چهره‌ی مالی و اقتصادی ندارد و به حقوق مالی و دارایی شخص صدمه نمی‌زند ولی سبب رنج اخلاقی و لطمه به حقوق غیرمالی او می‌شود. در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از خسارت معنوی می‌پردازیم:

❖ تحمل درد و رنج

بی‌شک در صورت ورود درد و رنج جسمی، روح نیز تأثیر می‌پذیرد و دچار تألم و رنج می‌شود و این به دلیل پیوند عمیق جسم و روح و تأثیر این دو می‌باشد. این قسم خسارات هم دامن‌گیر شخص آسیب‌دیده می‌شود و هم بستگان وی در صورتی که آسیب منتهی به فوت شود دچار این تألم خواهند شد که تألم از دست دادن عزیزی خواهد بود.

❖ محروم شدن از مواهب زندگی

این خسارت شامل عدم توانایی در راه رفتن و دویدن، بازی فوتبال، تمتعات جنسی یا ازدواج است فرضی را تصور کنید که شخصی به لحاظ از دست دادن عضوی، دیگر نمی‌تواند به شغل سابقش اشتغال داشته باشد و یا پدری را در نظر بگیرید که همچون وضع سابقش نمی‌تواند با فرزندانش به تفریح برود یا از تفریح خود لذت ببرد و یا وضعیتی را تجسم کنید که شخصی به لحاظ آسیبی که دیده ظاهر خود را از دست داده و آنچه شبیه به اینهاست و سبب محروم ماندن شخص آسیب‌دیده از لذت بردن از زندگی است.

❖ خسارت از دست دادن زیبایی

یکی دیگر از انواع خسارات معنوی، خسارت از دست دادن زیبایی است البته این خسارت می‌تواند در درون خسارت محروم ماندن از لذت زندگی هم جای بگیرد. اصولاً افرادی که از چهره و قیافه‌ای برخوردارند که حداقل مقبولیت از نظر جامعه را ندارد، از جامعه طرد می‌شوند اما نقص در سایر اعضا این چنین نیست. معمولاً افرادی که دچار نقص عضو می‌شوند از سایر اعضای خود کمال استفاده را می‌کنند برای نمونه به مدال‌آوری قهرمانان المپیک می‌توان اشاره کرد اما معمولاً افرادی که از چهره خوبی برخوردار نیستند این فرصت‌ها از آن گرفته می‌شود و کم‌کم منزوی و در نهایت از جامعه حذف می‌شوند و همین علت در تفاوت این نوع نقص عضو با نقص در عضوهای دیگر باعث شده که ما آن را در یک بند جداگانه بیاوریم (۶).

❖ قابلیت جبران خسارت معنوی

در رابطه با قابلیت جبران این خسارت باید گفت که متعلقات مادی و متعلقات غیرمادی انسان اگرچه دو بعد آدمی را تشکیل می‌دهند ولی از لحاظ ماهیت آنچنان با هم تفاوت دارند که گویی دو دنیای متفاوتند و فرسنگ‌ها با هم فاصله دارند و هرکدام معیار خاص خود را دارند. این موضوع باعث شده که برخی معتقد شوند که زیان معنوی قابل جبران نیست. علاوه بر آن چون این امور ملموس نیستند، دادرسی نمی‌تواند میزان آن را تعیین و خطاکار را به جبران آن به نحو مناسبی محکوم سازد.

قانون مسئولیت مدنی نیز این خسارت را قابل جبران می‌داند. یکی از مشکلاتی که نظام نوین مسئولیت مدنی با آن روبرو است، برآورد خسارت معنوی (غیرمالی) ناشی از صدمات جانی است. این خسارات که شامل رنج مصدومیت و عدم سلامت، درد ناشی از صدمه‌ی بدنی، از دست دادن لذت و خشنودی ناشی از صدمه‌ی جسمانی مثل عدم امکان ورزش، فعالیت اجتماعی یا روابط جنسی و کاهش زیبایی است از امور کیفی و غیرکمی است و قابل اندازه‌گیری نمی‌باشد و لذا تخصیص هر مقدار و بهایی برای آن فاقد معیار علمی و واقعی است. در برخی نظام‌ها پس از احراز این خسارات معنوی و غیراقتصادی،

تعیین میزان آن را به نظر قاضی سپرده‌اند و در برخی دیگر به هیأت منصفه مقدار متوسط تعیین شده از کشوری به کشور دیگر و حتی در یک کشور، سال به سال متفاوت است و در برخی نظام‌های حقوقی در فقدان معیار اندازه‌گیری و تعیین خسارت، ارقام نجومی برای جبران این خسارات لحاظ شده است. همین امر موجب بروز مشکلاتی در سیستم حقوقی برخی کشورها شده که از آن به بحران مسئولیت مدنی تعبیر شده است (۵، ۷).

۴-۵. خسارت مالی ناشی از صدمات بدنی

عمده خسارات اقتصادی ناشی از خسارات جانی که به مصدوم وارد می‌شود هزینه‌های درمان و خسارات از کارافتادگی دائم یا موقت است. در کنار خسارت اخیر، خسارت اقتصادی از دست دادن درآمد وارد بر خانواده و افراد واجب‌النفقه یا متوفی نیز مطرح می‌شود که عبارتند از:

❖ خسارت از کارافتادگی

یکی دیگر از پیامدهای نقص عضو یا فوت نفس، از بین رفتن منفعت و نیروی کار مصدوم است. از کارافتادگی موقت به مفهوم از دست دادن موقت توانایی جسمی یا روحی که در اثر صدمه‌ی وارد شده از انجام وظایف شغلی خود باز می‌ماند و از کارافتادگی دائم عبارت است از قطع، تغییر شکل یا از دست دادن توانایی عضوی از اعضای بدن که ناشی از حادثه بوده که وضعیت دائم و قطعی داشته باشد.

❖ هزینه‌های درمان

هزینه‌های درمان ناظر بر ضررهای مادی است که در پی ایراد خسارت جسمانی و برای ترمیم صدمه بر زیان دیده تحمیل می‌شود. هزینه‌های درمانی شامل تمام هزینه‌های پزشکی اعم از حق‌العلاج پزشک و حق‌العمل جراح و هزینه‌های بیمارستان حتی آزمایشات و فیزیوتراپی و سونوگرافی و غیره می‌شود.

❖ خسارت مالی وارده به بستگان مصدوم

تکلیف خسارات اقتصادی که به خانواده و افراد واجب‌النفقه‌ی شخص از کارافتاده یا متوفی به علت از دست دادن منبع مالی آنها وارد می‌شود به نظر مشخص می‌باشد.

❖ نقش صندوق تأمین خسارت‌های بدنی

صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مستقر در شرکت بیمه مرکزی ایران، در اجرای ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی، دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مسوولیت جبران زیان دیدگان حوادث رانندگی را که مقصر آن فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث، متواری و یا ناشناس باشد را بر عهده دارد. این صندوق از جهت سازمانی جزء بیمه مرکزی ایران محسوب و امور آن به وسیله‌ی بیمه مرکزی ایران اداره می‌گردد (۷، ۸).

۵-۵. مبانی حقوقی جبران خسارت

فقها و حقوق‌دانان برای اثبات جبران خسارت به دلایل متعددی استناد می‌کنند. حقوق‌دانان در این مسئله به اصل ۴۰ قانون اساسی ماده ۲۲۱ قانون مدنی و ماده‌ی ۱ مسئولیت مدنی استناد کرده‌اند. ماده ۲۲۱ قانون مدنی اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده یا تعهد عرفی به منزله تصریح و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد. ماده‌ی ۱ مسئولیت مدنی: هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود (۹).

۵-۶. اصل لزوم جبران خسارت و جبران کامل خسارت

یکی از مهم‌ترین اهداف مسوولیت مدنی، جبران خسارت زیان‌دیده است که در صورت وقوع حادثه و ورود خسارت، به زیان‌دیده حق می‌دهد که درخواست غرامت نماید. در مقابل این حق، تکلیف مسبب زیان به جبران خسارت مطرح است. این حق و تکلیف در قالب لزوم جبران خسارت در مسوولیت مدنی مطرح می‌شود. به بیان دیگر، وقتی رفتار یک فرد موجب صدمه دیگری می‌شود، بهترین گزینه در تحمل خسارت، خود

عامل زیان است "عدالت افقی در جامعه ایجاب می‌کند که به افراد دارای وضعیت یکسان، خسارات و مزایای یکسانی پرداخت شود و میان زیان دیدگانی که به جهت امکان اثبات تقصیر و رابطه سببیت می‌توانند غرامت دریافت نمایند، و گروهی که به هر علت امکان دریافت آن را ندارند و خسارتشان بلاجبران می‌ماند، هیچ تفاوتی نباشد (۱۰).

امروزه، علی‌رغم گسترش نظام‌های مبتنی بر مسوولیت محض، چون در اکثر نظام‌های حقوقی، همچنان معیار تقصیر مبنای اصلی مسوولیت مدنی تلقی می‌شود و امکان کنار گذاشتن آن نیز به لحاظ منطقی میسر نیست، در بسیاری از موارد، جبران خسارت با مشکل روبرو است. اجرای عدالت و احساس عمومی در این موارد نیز اقتضا می‌کنند تا به نحوی خسارت این‌گونه زیان‌دیدگان جبران گردد. به همین جهت ضرورت تشکیل طرح‌های تکمیلی مسوولیت مدنی در کنار ساختار کهن آن به خصوص در موارد خاص از جمله حوادث کار، حوادث رانندگی و موارد دیگر که در دنیای صنعتی امروز نظام‌های حقوقی را به خود مشغول کرده است، احساس می‌شود (۹).

البته گاهی جبران خسارت زیان‌دیده انجام می‌گیرد، ولی جبران خسارت مزبور هیچ تناسبی با خسارت وارده ندارد. اینجاست که ضرورت برقراری اصل جبران کامل خسارت مطرح می‌شود. اصل جبران کامل خسارت که یکی از اصول بنیادین مسوولیت مدنی به شمار می‌رود به معنای بازگشت و وضعیت زیان‌دیده به قبل از وقوع زیان از هر جهت می‌باشد. هرچند اعاده وضعیت سابق زیان‌دیده به قبل از وقوع زیان از هر جهت می‌باشد. هرچند اعاده وضعیت سابق زیان‌دیده به صورت کامل و قطعی، امکان‌پذیر نیست (مثلاً در صورت از کارافتادگی زیان‌دیده، ارزیابی میزان درآمدی که وی می‌توانست در آینده داشته باشد و از آن محروم شده، ناممکن است). با این حال اجرای اصل فوق تا حد امکان برای بازگرداندن تعادل از بین رفته در جامعه ضروری است. به نظر برخی صاحب‌نظران، تنها طریق اعمال اصل جبران کامل خسارت این است که قاضی در هر مورد، میزان خسارت وارد شده به زیان‌دیده را مشخص و حکم به جبران آن نماید. بنابراین تعیین سقف جبران خسارت توسط قانون‌گذار با اصل

مذکور منافات دارد (۱۱).

نهادهای تکمیلی مسوولیت مدنی با کنار گذاشتن محدودیت‌های نظام سنتی مسوولیت مدنی در جبران خسارت، با پوشش‌های گسترده خود، چه از جهت افراد تحت‌الشمول و چه به لحاظ میزان جبران خسارت گام‌های بلندی را در راستای برقراری اصل لزوم جبران خسارت و اصل جبران کامل خسارت زیان‌دیدگان برداشته‌اند. از این رو، برخی معتقدند که مسوولیت صندوق بر پایه اصل جبران کامل خسارت استوار است. بدین معنی که ایجاد صندوق به جهت تکمیل جبران خسارت زیان‌دیده بوده و هیچ‌گاه جایگزین مطلق مسوول زیان یا بیمه‌گر نخواهد شد (۱۱).

۵-۷. خسارت‌های ناشی از صدمات بدنی

چنان که پیش از این گفته شد تا قبل از حاکمیت مقررات دیات در کشور براساس قانون مسوولیت مدنی آسیب‌دیدگان از صدمات بدنی می‌توانستند کلیه خسارت‌هایی را که از ناحیه صدمه به آن‌ها وارد شده بود، اعم از هزینه معالجه، خسارت از کارافتادگی، افزایش هزینه زندگی و... را از صدمه‌زننده مطالبه کنند. اما با تصویب مقررات دیات در سال ۱۳۶۱ و تعیین مقادیر ثابتی از دیه برای صدمات مختلف بدنی، از قتل گرفته تا ضرب و جرح، نقص عضو و... این سؤال مطرح شد که آیا با وجود تعیین دیه شخص صدمه‌دیده می‌تواند سایر ضرر و زیان‌های ناشی از صدمه بدنی را مطالبه کند یا خیر؟ آنچه باعث اهمیت یافتن مسئله مزبور شده بود این که دیه پرداختی به قربانیان صدمات بدنی، با توجه به شیوه‌ای که در دادگاه‌ها برای تعیین دیه اعمال می‌شد، در اکثر موارد قادر به جبران هزینه‌های سنگین معالجه و بیمارستان نبود و آن‌ها ناچار بودند که با تحمل رنج و مشقت فراوان، خود از عهده این هزینه‌ها و سایر خسارت‌هایی که از ناحیه صدمه بدنی به آن‌ها وارد شده بود برآیند (۱۲). ناگفته نماند که چنین وضعی در عمل موجب ناامیدی و نارضایتی قربانیان صدمات جسمانی، نسبت به دستگاه قضایی نظام اسلامی می‌گردید (۱۳).

در هر حال موضوع مشروعیت یا عدم مشروعیت لزوم جبران خسارت‌های ناشی از صدمات جسمانی در طول سال‌های

گذشته همواره مورد بحث محافل حقوقی و قضایی بوده و هم چنان هم در راس مسائل و مشکلات اجرایی مواد قانونی دیات مطرح می‌باشد (۱۴).

۵-۸. جبران خسارات جانی در فقه، حقوق ایران و

حقوق دیگر کشورها

لزوم جبران خسارات جانی هیچ‌گاه در فقه اسلامی و حقوق ایران مورد تردید نبوده است؛ حتی منع از ایراد این خسارت و حرمت جان به‌عنوان مبنا در اصل لزوم جبران خسارت (مالی و جانی). برای جبران لطمات وارده و نیز تأسیس ضمانت اجرایی برای صیانت از تمامیت معرفی شده است (۱۳). در مواردی که دیه معین نشده، حاکم با توجه به شدت خسارت وارده، حکم به پرداخت ارش صادر می‌نماید. حساسیت و لزوم جبران خسارت جانی تا حدی مورد توجه شارع بوده که در صورت مشخص نشدن جانی، جبران خسارت را بر عهده بیت‌المال مسلمین قرار داده و در مورد عدم توانائی مالی جانی، خانواده و نزدیکان او مکلف به جبران خسارت شده‌اند و در صورت عدم امکان جبران از این طریق، نهایتاً پرداخت از بیت‌المال صورت خواهد گرفت. در تاریخ حقوق غرب نیز تأسیس مشابه دیه در حقوق رم قدیم و حقوق اقوام مسلط بر اروپا وجود داشته است. در این نظام‌های حقوقی، مال مشخصی در مقابل فوت یا خسارات جانی با توجه به شدت و نوع خسارت جانی وارده تعیین شده بود و جانی یا خانواده او مکلف به پرداخت به زیان‌دیده یا خانواده متوفی بوده‌اند (۱۵). ولی پذیرش مبلغ معین و از پیش تعیین‌شده برای جبران خسارت جانی، از حقوق جدید کشورهای غربی رخت بر بسته است و جای خود را به ارزیابی موردی خسارات جانی براساس موقعیت و ویژگی‌های زیان‌دیده داده است (۱۶). در واقع، با پذیرش اصل لزوم جبران کلیه خسارات جانی وارد به مصدوم، تعیین شاخص و مبلغ واحد برای همه خسارت‌دیدگان منتفی شده و در هر مورد باید خسارت جانی وارده، که به هیچ وجه قابل ارزیابی و اندازه‌گیری با پول نیست، با توجه به اوضاع و احوال شخصی و حرفه‌ای و موقعیت مصدوم تعیین شود (۱۷).

به نظر می‌رسد ریشه این آشفتگی و عدم نیل به نتیجه‌ای مشخص را باید در وجود اعتقادات مبتنی بر منطوق و نظام حقوقی متعارض جستجو کرد. از طرفی، منطق فقهی ما که مبنای فتاوی فقها قرار گرفته، تعیین میزانی قطعی برای جبران کلیه خسارات جانی وارده با عنوان دیه یا ارش است. در این منطق، تقسیم‌بندی بین خسارات اقتصادی و غیراقتصادی، مادی و معنوی و غیر آن وجود ندارد و جبران به صورت نوعی و صرف‌نظر از موقعیت اجتماعی و کاری زیان‌دیده و آثار بعدی صدمه معین می‌گردد. در مقابل، منطق حقوق جدید قرار دارد که خسارات وارده را به اقتصادی و غیراقتصادی تقسیم و با لحاظ موقعیت فردی، اجتماعی و کاری و آثار صدمه بر ابعاد مختلف زندگی فرد خسارت را تعیین می‌نماید. در این مورد با توجه به پذیرش اصل لزوم جبران کلیه خسارات جانی در نظام‌های حقوقی جدید اروپایی و آمریکایی (رومی-ژرمنی و کامن‌لو) جبران خسارات معنوی (غیرمالی) و خسارات اقتصادی بصورت جداگانه برآورد می‌شود (۱۹).

۵-۹. روش‌های جبران آسیب‌های بدنی

در حقوق مسؤولیت مدنی، خسارات را وفق مبانی و ملاک‌های متفاوت به دسته‌های گوناگون تقسیم نموده‌اند. یکی از این تقسیم‌ها براساس موضوع صدمه می‌باشد. بر این اساس، خسارات به سه دسته: خسارات مادی، خسارات جسمی و خسارات معنوی تقسیم شده‌اند (۲).

فقیهان و حقوق‌دانان معتقدند که روش‌های اصلی جبران خسارت، سه روش، به صورت طولی است که بر آنها تقدم و تأخر عقلی حاکم است؛ یعنی مادام که روش اول ممکن باشد نباید به سراغ مرحله دوم رفت و چنان چه روش دوم میسر باشد نوبت به روش سوم نمی‌رسد (۲۰).

مرحله اول یعنی جبران از طریق اعاده وضع به حالت سابق یا جبران عینی، ناظر به صورت وجود عین است. اگر عین باقی باشد، عین که واجد خصوصیات شخصی است به مالک رد می‌شود. مرحله دوم جبران از طریق مثل مال از دست رفته است. در این مرحله عین، تلف شده و دیگر ادای آن با

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، روش تعیین خسارت جانی به تفکیک خسارات مالی و معنوی اجرا میشد و حقوق‌دانان و دادگاه‌ها به منطوق و احکام آن آشنا و از لحاظ نظری قانع شده بودند، ولی با رویکرد مجدد به فقه اسلامی که پس از انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمد و تأکید قانون اساسی بر مطابقت احکام و قوانین با موازین شرعی، و به‌ویژه تصویب قانون مجازات اسلامی-بخش دیات، تغییرات اساسی در نظام جبران خسارات جانی ایجاد شد. حضور قوانین موازی در این‌باره که از منطوق و منظره کاملاً متفاوت به موضوع می‌نگریستند، از یک طرف، و اصرار حقوق‌دانان بر لزوم جبران کلیه خسارات مادی و معنوی و ابهامات بسیار در مورد ماهیت و جایگاه دیه و جمع آن با منطق و یافته‌های حقوقی جدید، از طرف دیگر، موجب بروز سؤال‌ها و مشکلات بسیاری گردید (۱۳). در این اوضاع، قابلیت جبران طیف وسیعی از خسارات، و بالاخص خسارات مالی ناشی از لطمات جسمانی، در حاله‌ای از ابهام فرو رفت و آراء و نظرات متضادی ظهور کرد و دامنه این اختلافات به محاکم و دیوان عالی کشور نیز کشیده شد. از جمله بحث‌های طولانی در مورد طبیعت دیه و (ماهیت جزایی هب عنوان مجازات کیفری) و یا طبع مسؤولیت مدنی (از باب جبران خسارت) بوده، پذیرش هر یک از این نظرات توجیه‌کننده احکام خاصی در مورد جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از خسارات جانی خواهد بود. مسأله عمده دیگر، امکان جبران خسارات مازاد بر دیه بوده است: آیا دیه مبلغ قطعی و غیرقابل تغییر به عنوان مابه‌ازای خسارت جانی وارده است و نمی‌توان علاوه بر آن، رأی به جبران دیگر خسارات ناشی از حوادث جانی داد و یا آنکه مقادیر تعیین‌شده حداقل قابل پرداخت است و لذا خسارات مازاد بر آن و یا خساراتی را که تحت پوشش دیه قرار نمی‌گیرد، قابل پرداخت است؟ در این مورد هزینه‌های درمان و خسارات از کارافتادگی شغلی و نیز خسارات معنوی اطرافیان از عمده مقولات مورد بحث حقوق‌دانان بوده است. در این موارد مطالب و رساله‌های بسیاری نوشته شده و نظرهای له و علیه بسیاری ابراز شده است (۱۸).

داده شود شاید از ارزش مال تالف کم تر یا بیشتر باشد؛ به همین جهت، دادن مثل اولی و مقدم است (۲۲).

علامه حلی در تذکره الفقهاء حتی در عقد قرض که مقتضی، مالک مال مقروض می شود این فرع را مطرح نموده که در مال مثلی اگر مقتضی، عین مال مقروض را به عنوان رد به مقرض تسلیم کند، بر مقروض واجب است آن را قبول کند؛ زیرا عین مال به حق او اقرب است تا مثل آن (۲۳).

مسئلاً، در ما نحن فیه نیز باید تا آنجا که ممکن است جبران به نحوی صورت گیرد که به قول شیخ با حق مجنی علیه موافق تر و سازگارتر باشد و مسلماً، جبران عینی و اعاده وضعیت آسیب دیده به حالت پیشین بر هر جبران دیگر و نیز جبران مثلی بر جبران قیمی اقرب، اولی و مقدم است. بنابراین، هم روش های جبران آسیب های مالی و هم ترتیب منطقی و عقلانی آن روش ها، در آسیب های جسمی و لطمات بدنی حکومت دارد. همان گونه که در تبیین پیش فرض های مقاله آمد، دیه روشی برای جبران لطمات و آسیب های بدنی همچون سایر روش های جبران در صدمات مالی است و وقتی این مطلب پیش فرض در نظر گرفته شود، هر روشی که جبران را بهتر تأمین کند مانند درمان و اعاده وضعیت آسیب دیده به پیش از صدمه یا فراهم نمودن وضعیتی شبیه به آن از طریق جبران مثلی بر دادن پول و قیمت، مقدم خواهد بود. قطعاً، این نحوه تبیین مسأله و استدلال بر نظر مطلوب، مصداق طرق استدلالی مطرود چون قیاس، استحسان و حتی تنقیح مناط نیست؛ بلکه تشخیص عرفی موضوع و ترتب حکم مسلم فقهی و قانونی بر موضوع و مصداق خود است.

۵-۱۰. موارد مسئولیت مدنی صندوق تامین خسارت

بدنی

براساس ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری: «به منظور حمایت از زبان دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم

تشخیصات فردی ممکن نیست، اما مثل مال تالف در دسترس است؛ در نتیجه مثل، که واجد صفات نوعی است بدل قرار می گیرد. به این نوع جبران «جبران مثلی» گفته می شود. بالاخره مرحله سوم یعنی «جبران قیمی» یا جبران از طریق، پرداخت مبلغی پول، ناظر به فرضی است که مثل مال تالف نیز قابل تهیه و تأدیه نیست. در این مرحله که خصوصیات فردی و نوعی مال تلف شده قابل اعاده نیست، به جبران مالیات شیء بسنده شده، و قیمت آن به زیان دیده پرداخت می گردد. در اغلب موارد، منظور از پرداخت قیمت مال تلف شده، قیمت واقعی آن است که کارشناس و خبره با توجه به ارزش مال در بازار تعیین می کند و به این نحوه ارزیابی، ارزیابی قضائی گفته می شود.

اما در برخی از موارد، میان زیان دیده و عامل زیان قبل یا پس از وقوع آسیب، توافق شده و جبران براساس ارزیابی توافقی صورت می پذیرد. در پاره ای از موارد نیز مانند وقتی که تعیین ارزش دقیق مال تالف ممکن نیست، قانون گذار ارزش مال را مشخص می کند که به آن ارزیابی قانونی گویند (۲۱).

این روش های جبران، در جبران آسیب های بدنی نیز حاکم است و مسلم است که اگر بتوان آسیب جسمانی را برطرف نموده و با درمان یا هر اقدام پزشکی و فناورانه وضعیت را به پیش از آسیب برگرداند، نوبت به روش های بعدی نمی رسد. همچنین اگر بتوان با عضو مصنوعی یا مثل اعضای بدن آسیب را تا اندازه ای جبران کرد نوبت به دادن قیمت و ارزیابی پولی نخواهد رسید. زیرا، فلسفه مسؤولیت مدنی چیزی جز برطرف نمودن آسیب و ضرر و اعاده وضع به حالت سابق نیست و دادن مثل هم از این جهت بر قیمت مقدم است که به اعاده وضع به حالت سابق نزدیک تر است. تقدم مذکور هم بر قیمت یا ارزیابی قانونی در مانحن فیه دیه- و هم بر ارزیابی قضائی و هم بر ارزیابی توافقی حکومت دارد. چنان که شیخ طوسی در مبسوط در غصب با وجود بقای عین مغصوب، حتی در مال مثلی، رد مثل را منع نموده و در صورت تلف، با وجود مثل، رد قیمت را رافع ضمان نمی داند به این جهت که اگر مثل داده شود با حق او موافق تر و سازگارتر است و اگر قیمت مال تالف

حادثه، وضعیت مالی و معیشتی مسبب حادثه و سایر اوضاع و احوال مؤثر در وقوع حادثه نسبت به تقسیط یا تخفیف در بازیافت خسارت از مسبب حادثه اقدام کند. نحوه بازیافت از مسبب حادثه با رعایت مقررات راجع به نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و میزان بازیافت مطابق آیین‌نامه‌ای است که بنابه پیشنهاد هیأت نظارت صندوق و مجمع عمومی صندوق به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد.

سپس در تبصره ۱ همین ماده به تعهدات غیرقابل بازیافت صندوق اشاره شده: "تبصره ۱- در موارد زیر صندوق نمی‌تواند برای بازیافت به مسبب حادثه رجوع کند:

۱- در موارد جبران کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه (پرداخت خسارت به استناد ماده (۱۳) این قانون).

۲- تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون.

۳- در مواردی که زیان‌دیدگان خارج از وسیله نقلیه بیش از سقف تعهدات بیمه‌گر موضوع تبصره ماده (۱۲) این قانون باشند.

۴- در مواردی که صندوق به موجب قانون معادل دیه مرد مسلمان را به زیان‌دیده یا قائم مقام قانونی وی پرداخت می‌کند برای بازپرداخت مابه‌التفاوت دیه شرعی با دیه مرد مسلمان.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

آنچه از مجموع ادله و مناقشات صاحب‌نظران استنباط می‌شود این است که دیه به عنوان یک نهاد حقوقی مستقل، دارای ماهیتی دوگانه بوده، از سویی جنبه مدنی دارد و خسارت‌ها و زیان‌های واردشده بر مجنی‌علیه یا اولیای وی را جبران می‌کند، و از سوی دیگر جنبه کیفری دارد و موجبات تنبّه و عبرت‌آموزی مرتکب را فراهم می‌سازد.

این نظریه از لحاظ فقهی و مبانی شرعی نیز ایرادی نداشته، چنانکه برخی مراجع تقلید معاصر نیز همین ایده را پذیرفته و به آن تصریح کرده‌اند. امکان مطالبه خسارت با پذیرش این نظر، مسائل مبتنی بر این بحث نظری؛ مانند نیز به آسانی حل

توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون، قابل پرداخت نباشد، یا به‌طور کلی خسارت‌های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه‌گر مطابق مقررات این قانون است به استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷)، توسط صندوق مستقلی به نام «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» جبران می‌شود. همان‌گونه که از ماده فوق دریافت می‌شود موارد صلاحیت صندوق با اندک تغییرات حائز اهمیتی همان مواردی است که در قانون ۱۳۸۷ پیش‌بینی شده بود و این موارد شامل: فقدان بیمه، بطلان عقد بیمه، تعلیق تأمین، شناخته نشدن وسیله‌ی نقلیه‌ی مسبب حادثه، صدور حکم توقف یا ورشکستگی و به طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه‌نامه، مطابق با مقررات این قانون می‌باشند (۲۴).

آنچه در این خصوص اهمیت دارد آنکه تعهدات صندوق تأمین را در یک دسته‌بندی کلی می‌توان به تعهدات معوض و غیرمعوض یا به تعبیر قانون بیمه اجباری تعهدات قابل بازیافت و غیرقابل بازیافت تقسیم‌بندی نمود که ماده ۲۵ این قانون در خصوص تعهدات قابل بازیافت بیان داشته: "صندوق مکلف است بدون اخذ تضمین از زیان‌دیده یا مسبب زیان، خسارت زیان‌دیده را پرداخت نموده و پس از آن مکلف است به شرح زیر به قائم مقامی زیان‌دیده از طریق مراجع قانونی وجوه پرداخت شده را بازیافت کند:

الف- در صورتی که پرداخت خسارت به سبب نداشتن، انقضای یا بطلان بیمه‌نامه باشد به مسبب حادثه رجوع می‌کند.

ب- در صورتی که پرداخت خسارت به سبب تعلیق یا لغو پروانه یا توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون باشد به بیمه‌گر و مدیران آن رجوع می‌کند.

پ- در صورتی که پرداخت خسارت به سبب شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد، پس از شناخته شدن آن حسب مورد به مسبب حادثه یا بیمه‌گر وی رجوع می‌کند.

ت- در صورتی که پرداخت خسارت به سبب خارج از ظرفیت بودن سرنشینان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد به مسبب حادثه رجوع می‌کند."

تبصره ۲- صندوق مجاز است با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت وقوع حادثه، علت نداشتن بیمه‌نامه، سوابق بیمه‌ای مسبب

نیز اگر درمان، با هزینه بیشتر از دیه صورت پذیرد، نمی‌توان میان هزینه‌های درمانی و دیه جمع کرد و باید به جبران مقدم یعنی درمان اکتفا نمود. البته، اگر با وجود صرف هزینه، عضو یا منفعت آن هیچ‌گونه بهبودی نیابد، حکم، صرفاً پرداخت دیه است و این هزینه‌ها قابل مطالبه نیست. در مقابل، حتی اگر درمان، منوط به هزینه‌های فوق‌العاده باشد، می‌توان عامل را به تأدیه آن ملزم نمود. شکی نیست که با وجود مقررات فعلی قانون مجازات اسلامی و نسخ ضمنی مقررات قانون مسئولیت مدنی در باب صدمات بدنی، در حال حاضر، محاکم براساس مقررات دیات در تمامی موارد، رسیدگی و انشای حکم می‌نمایند؛ اما پیشنهاد می‌شود که با اصلاح قانون -وفق نتایج این تحقیق- راه برای جبران بهتر و کامل‌تر صدمات بدنی هموار گردد. البته، چون هنوز با وجود پیشرفت‌های علمی و پزشکی در بسیاری از موارد، جبران خسارت‌های مقدم چون اعاده وضع سابق و جبران عینی و گاه از طریق مرحله بعدی یعنی جبران مثلی، ممکن است. بنابراین، در این موارد، در صورت اثبات این امکان، نوبت به مرحله سوم یعنی جبران قیمی و مصداق آن یعنی «دیه» نمی‌رسد. البته این به معنای تغییر حکم دیه نبوده و با توجه به امضائی بودن آن و امکان تغییر آن بر حسب تغییر شرایط، زمان و مکان منافاتی با دائمی بودن احکام شرعی ندارد. در واقع، تغییر ناظر به موضوع است نه حکم. در مورد موضوعات، تاکنون، اجرای روش‌های اول و دوم یعنی دو روش مقدم به حکم عقل و شرع امکان پذیر نبوده، و به ناچار، مرحله سوم اجرا می‌شده است ولی امکان اجرای مراحل سابق در زمان دیگر با این امر منافاتی ندارد. البته شایان ذکر است که اولاً -نهاد دیه به لحاظ آن که روش یکسانی برای موارد نزدیک به هم لحاظ نموده و از قبل، میزان خسارت را معین کرده، نهادی کاملاً ارزشمند و منطقی است و سریع‌تر از نگاه شخصی به جنایات و ارزیابی موردی، می‌تواند حقوق مجنی‌علیه را تأمین نماید؛ ثانیاً- مراجعه به مراحل پیشین، تنها ناظر به صورت اثبات امکان آن است و گرنه هنوز بهترین و عاقلانه‌ترین روش جبران، همان پرداخت دیه است؛ ثالثاً- در صورتی که بخشی از عضو یا منفعت یا هر دو یا یکی از آن دو، درمان‌پذیر نباشد، به همان نسبت همچنان دیه بهترین روش جبران است؛ رابعاً- دیه، در طول درمان عضو و منفعت آن است و اگر درمان با هزینه‌ای کمتر از دیه صورت گیرد، نمی‌توان عامل را به تأدیه دیه ملزم نمود.

۷. تقدیر و تشکر

با سپاس از لطف بیکران خداوند بزرگ که بالاترین نعمات را به بندگانش اعطا فرموده است و اوست که داناترین است. و نیز با تقدیر و تشکر فراوان از زحمات فراوان و بی‌دریغ اساتید گرانقدر. امیدوارم رهنمودهای ارزشمندشان نیز باعث به سر انجام رسیدن هرچه بهتر این کار شود.

خواهد شد «مآزاد بر دیه. به طور خلاصه می‌توان گفت، اگر دیه مقرر شده در شرع، به اندازه خسارت وارده بر زیان‌دیده باشد، امکان مطالبه خسارت جداگانه نیست؛ زیرا هدف از وضع دیه که مجازات مجرم و جبران خسارت بوده محقق گشته و اگر خسارات و زیان‌های وارد شده بر زیان‌دیده بیش از مقدار دیه باشد، از آنجا که میزان دیه مقرر شده در شرع، نتوانسته یکی از اهداف وضع دیه، یعنی جبران خسارت کامل مجنی‌علیه یا اولیای وی را تأمین کند، با تمسک به قواعد عام مسئولیت مدنی و اینکه هیچ خسارتی نباید جبران نشده باقی بماند، زیان‌دیده می‌تواند خسارات مآزاد بر دیه را مطالبه نماید. در حال حاضر، جبران خسارات افراد صدمه‌دیده از طریق اعاده وضع به سابق یا جبران عینی و گاه از طریق مرحله بعدی یعنی جبران مثلی، ممکن است. بنابراین، در این موارد، در صورت اثبات این امکان، نوبت به مرحله سوم یعنی جبران قیمی و مصداق آن یعنی «دیه» نمی‌رسد. البته این به معنای تغییر حکم دیه نبوده و با توجه به امضائی بودن آن و امکان تغییر آن بر حسب تغییر شرایط، زمان و مکان منافاتی با دائمی بودن احکام شرعی ندارد. در واقع، تغییر ناظر به موضوع است نه حکم. در مورد موضوعات، تاکنون، اجرای روش‌های اول و دوم یعنی دو روش مقدم به حکم عقل و شرع امکان پذیر نبوده، و به ناچار، مرحله سوم اجرا می‌شده است ولی امکان اجرای مراحل سابق در زمان دیگر با این امر منافاتی ندارد. البته شایان ذکر است که اولاً -نهاد دیه به لحاظ آن که روش یکسانی برای موارد نزدیک به هم لحاظ نموده و از قبل، میزان خسارت را معین کرده، نهادی کاملاً ارزشمند و منطقی است و سریع‌تر از نگاه شخصی به جنایات و ارزیابی موردی، می‌تواند حقوق مجنی‌علیه را تأمین نماید؛ ثانیاً- مراجعه به مراحل پیشین، تنها ناظر به صورت اثبات امکان آن است و گرنه هنوز بهترین و عاقلانه‌ترین روش جبران، همان پرداخت دیه است؛ ثالثاً- در صورتی که بخشی از عضو یا منفعت یا هر دو یا یکی از آن دو، درمان‌پذیر نباشد، به همان نسبت همچنان دیه بهترین روش جبران است؛ رابعاً- دیه، در طول درمان عضو و منفعت آن است و اگر درمان با هزینه‌ای کمتر از دیه صورت گیرد، نمی‌توان عامل را به تأدیه دیه ملزم نمود.

۸. سهم نویسندگان

در این مقاله جناب آقای دکتر بابک محمدرضاپور اوزان استاد راهنما و جناب آقای دکتر یوسف مولایی به عنوان مشاوره در این مقاله نظارت داشتند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

References:

1. Tabatabaei S. Arabic to Persian culture. 11 ed. Tehran: Islamic Bookstore Publications; 2001. [Persian].
2. Katouzian N. Civil rights, non-contractual obligations. Tehran: Tehran University; 1995. [Persian].
3. Marashi M. Diyat and loss due to crime. Judicial and Legal Journal of Justice. 1991(1):12. [Persian].
4. Naeini M. Monie Ultaleb. Qom: Islamic Publishing Institute; 2021. [Persian].
5. Lunney M, Oliphant K. Tort law: text and materials. London: Oxford University Press; 2008.
6. Emmet D. Remedies. London: Oxford University Press; 2007.
7. Saidov D. Methods of Limiting Damages under the Vienna Convention on Contracts for the International Sale of Goods. Pace Int'l L Rev. 2002;14(2):307.
8. Tabibian. Burning culture. 7 ed. Tehran: Publication and research of Farzan Rooz; 2015. [Persian].
9. Moein M. Farhang Moein. Tehran: AmirKabir Publishers; 1983. [Persian].
10. Jafari Langroudi M. Civil liability. Legal Journal of the Ministry of Justice. 1985;4(1). [Persian].
11. Cane P. Retribution, Proportionality and Moral Luck in Tort Law. In The Law of Obligations: Essays in Celebration of John Fleming. 2011:148-9.
12. Sahife Imam. 1 ed. Tehran: Imam Khomeini Publishing House; 1999. [Persian].
13. Dekhoda AA. Dictionary. 1 ed. Tehran: University of Tehran Publishing Institute; 1994. [Persian].
14. Doroudian. Civil Rights Booklet 4, Faculty of Law, University of Tehran Doroudian. [Persian].
15. Avaz Ahmed E. blood money. Tehran: University of tehran; 2001. [Persian].
16. McGregor H. Personal injury and death: International Encyclopedia of Comparative Law; 2000.
17. Sarkhosh J, Molaei Z. The nature of compensation for bodily harm in jurisprudence and the law of punishment, New research in Iran and the world in psychology and educational sciences of lower and social sciences. 2017. [Persian].
18. Taheri H. Civil Rights. 2 ed. Qom: Islamic Publications Office; 2021. [Persian].
19. Safaei H. Non-fulfillment of the obligation and the effects of those obligations and contracts. Tehran: Excellent accounting hair publication; 1936. [Persian].
20. Bojnourdi SH. The rules of jurisprudence. 4 ed. Qom: Alhadi Publisher; 2021. [Persian].
21. Tousi MH. Almabsout Fi Feghel Imamie .Qom: Maktab Motazavieh; 2008. [Persian].
22. Allame Helli H. Tazkerah Foghaha. Qom: Albeit; 2017. [Persian].
23. Stoll H, Tunc A. Andre, International Encyclopedia of Comparative Law. New York: Oceana Publication; 1963.
24. Street H. Principles Of The Law Of Damages. London :Sweet & Maxwell; 1962.



The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal

2021; 15(56): e12.

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

Investigation of Damages Caused by Physical Injury in Iranian Civil Law

Hojjat Nasrarkan¹, Babak Mohammadrezapour Ozan^{2*} , Yousef Molaei³

1. PhD Student, Department of Private Law, Orumieh Branch, Islamic Azad University, Orumieh, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Orumieh Branch, Islamic Azad University, Orumieh, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Private Law, Orumieh Branch, Islamic Azad University, Orumieh, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 18 September 2020

Accepted: 25 November 2020

Published online: 5 April 2021

Keywords:

Liability

Criminal

Civil

Bodily harm

* Corresponding Author:

Babak Mohammadrezapour Ozan

Address: Department of Private Law,
Orumieh Branch, Islamic Azad
University, Orumieh, Iran.

Postal Code: 57169-63896

Telephone: 44-33381341

Email: Babakrezapour@gamil.com

ABSTRACT

Background and Aim: The legal rules governing damages resulting from personal injuries constitute the main part of civil liability law. Our aim of this project is to investigate the damages caused by bodily injury in Iranian civil law.

Materials and Methods: The research method is descriptive analysis. The method is to collect library information. The tool for gathering information is taking notes.

Results: In any case, the issue of legitimacy or illegitimacy, the need to compensate for damages caused by bodily injuries during the past years has always been discussed in legal and judicial circles and is still at the top of issues and problems in the implementation of legal provisions.

Ethical considerations: In all stages of writing the present study, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Conclusion: In this article, by recognizing the jurisprudential logic and the evolution of compensation for life damages from blood money to compensation of life damages, we have tried to separate spiritual and material damages in the new world law and a new re-reading of jurisprudential and legal issues. Provide an appropriate solution with jurisprudential logic and the principles of justice to resolve this unresolved knot of Iranian law.

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Mohammadrezapour Ozan B, Nasrarkani H, Molaei Y, Investigation of Damages Caused by Physical Injury in Iranian Civil Law. *Medical Law Journal* 2021; 15(56): e12.